

# کارگر تبعیدی

ارگان

جنبش دفاع از حقوق سندیگانی کارگران ایران

قیمت ۲ مارک

شماره ۵

مرداد ماه ۱۳۶۸

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

## آئین نامه ای دیگر علیه کارگران

جذب کار خواهند شد - ثانیاً - بنحضور "قانونی" و شروع "کردن بیگاری کارگران بیسواد است، تساهل و تسامح نسبت به آنها نداشته باشد.

رژیم جمهوری اسلامی که خود گسترش دهنده بیسوادی، بیگاری، فقر و گرسنگی است، خود را به نفی زده است که بیسوادی ناشی از بی عدالتی همین نظام مورد حراست وی میباشد - کارگرانی که از بد و کودکی مجبور بودند زیر چرخهای استثمار له شوند چگونه میتوانند به تحصیل بپردازند - آیا آنان به میل خود مجبور گردیدند که از دوران کودکی بجای نشستن در پشت میز تحصیل، راهی کشتزارها و کارخانجات گردند؟ آیا جامعه سرمایه داری مورد حراست جمهوری اسلامی و سرمایه داران اجازه داده است که نهالان دیروز کارگران بیسواد امروز به فرا گرفتن سواد بپردازند؟ تا دیروز که به نیروی کار آنان نیاز بود، بی سوادیشان نه تنها مورد شاکت سرمایه داران نبود بلکه بیسوادی را نعمتی میدانستند

بقیه در صفحه ۶

بنا بر تصمیم اخیر هیئت وزیران جمهوری اسلامی از اول فروردین ماه سال ۶۹ استخدام کارگران بیسواد زیر ۴۵ سال در کلیه شرکتها و واحدهای تولیدی بخش خصوصی ممنوع میشود - این صوبه اقدام دیگری علیه کارگران و بیویزه کارگران بیسواد است - رژیم جمهوری اسلامی از هر فرصتی برای ایجاد تفرقه در میان کارگران بهره برداری میکند - در شرایطی که وضع تولید در ایران بسیار نابسامان است و تخمین غلظی از کارگران بیگارتند، این صوبه بدین منظور تنظیم شده است تا اولاً کارگران بیگاری بیسواد را در مقابل کارگران بیسواد قرار داده و بدانان چنین القا نماید که اگر کارگران بیسواد شافل نشوند تعداد هر چه بیشتری از کارگران بیگاری بیسواد

## خمینی مرد!

خمینی مرد! خیر مرگش در همه جا ضنین انداخت و بسیاری را در این فکر فرو برد که اینت پس از مرگ او، وضعیت رژیم و مردم ایران چه خواهد شد؟ اینکه تحولاتی جدی در شرایط سیاسی ایران رخ خواهد داشت و طبقات مختلف جامعه از آن تاثیر خواهند گرفت امر مسلمی است، اما در این میان در وضعیت کارگران چه تغییری حاصل خواهد شد؟

بقیه در صفحه ۲

## نقدی بر طرح پیشنهادی منشور و اساسنامه

برنامه ای و اصول و اجزای اساسنامه ای میباشد - واضح است که برنامه یک چیز مشخص است و اساسنامه هم یک چیز دیگری - برنامه (یا بقول شما بیانیه، منشور) بیان کننده محصلت اساسی حرکت ما و تحلیل مشخص ضرورت این حرکت، اهداف نهایی جنبش ما، خصلت بین المللی آن، ماهیت صنفی، سیاسی مبارزه ما، چگونگی رابطه ما با سازمانها و احزابی که با ما همسو هستند و بسیاری بخشهایی از حقوق ما فعالیت میکنند و... می باشد - ولی اساسنامه بیشتر به شکل سازمانیایی و سازماندهی ما و چگونگی روابط بین ارگانها، پیکرها و اعضا پرداخته و وظایف همه شعبه و اعضا را مشخص میکند - رفقا بسا قاضی کردن این دو امر کاملاً مجزا در واقع نه اساسنامه ای جدی ارائه دادند و نه هیرنامه (بیانیه، منشور) بقیه در صفحه ۱۱

نقدی بر طرح پیشنهادی منشور (هیئت اعتقادی و کلی شکل و اهداف و وظایف) و ارائه طرح جدید پیشنهادی اساسنامه

رفقای هیئت موسس در نشریه شماره ۴ طرحی را تحت عنوان منشور و اساسنامه پیشنهاد کرده اند - بنظر میرسد این طرح دارای چنان تناقض گویی، نارسایی و خلط مباحث بوده که شگش بتوان آنرا به عنوان طرحی پایهای تلقی کرد، تا یا برخورد به آن از زوایای مختلف کیبودها و نواقص آن را بر طرف ساخت - من سعی میکنم ضمن بر شمردن این کیبودها و اساساً شکست فرمولبندی و ارائه طرح منشور اساسنامه پیشنهادی خود را ارائه دهم -

۱- رفقا طرح خود را تحت عنوان منشور و اساسنامه منتشر کرده اند - این طرح آمیزهای از روشو میانسی

## نقد بلا تفرم جنبش

برحوردی مختصر به طرح پلانفره "جنبش دفاع از حقوق سندیگانی کارگران ایران"

رفقای تحریر منشریه "کارگر تبعیدی" حسته نباشید - ضمن آرزوی موفقیت در دفاع از حقوق کارگران برای شما، نکاتی که به نظر در رابطه با پلانفره پیشنهادی رسید حد متتان عرض میکنم -

در عنوان پلانفره جنبش دفاع از حقوق سندیگانی آمده که اولاً - حقوق کارگران را محدود به حقوق سندیگانی کرده و این محدودیت در عملکرد آینده جنبش تاثیر خود را بجا خواهد گذاشت -

ثانیاً - این عنوان با متن خود پلانفره و وظیفهای که در آن برای فعالین جنبش کارگری در تبعید گذاشته متناقض است - در پاراگراف ششم (ص ۹ - شماره اول کارگر تبعیدی) آمده -

"ما بخشی از فعالین جنبش کارگری ایران ... و وظیفه خود میدانیم که از مبارزات جاری، دانشی و نهایی طبقه کارگر ایران هر کجا، دفاع کنیم" که بخودی خود پیداست مبارزات دائمی و نهایی طبقه کارگر فراتر از مبارزات - سندیگانی و حقوق سندیگانی است که پلانفره جنبش قصد دفاع از آن را دارد -

بنا بر این پیشنهاد میکنم عنوان پلانفره جنبش باشد - "جنبش دفاع از حقوق و مبارزات کارگران ایران" که اولاً - کلمه حقوق تمام حقوق طبقه کارگر منجمله حسن بقیه در صفحه ۴

لیست اسامی شهدای کارگر  
قدیمی ترین کارگر عضو جنبش درگذشت!  
فراخوان به مجمع عمومی

نگاهی

به جنبش کارگری

در ایران

نامه های رسیده  
طرحها و توضیحات  
شعری از لاهوتی  
یک سند ماندنی!

# زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

## خمینی مرد!

از صفحه اول

خمینی مظهر اسلام بود. مظهر جمهوری اسلامی و مظهر ولایت فقیه او از ابتدا در نقش قیم و تصمیم گیرنده برای همه بروی صحنه سیاست ایران آمد، فرمان به جنگ و کشتار، اعدام و اسارت و خفقان داد و تا آخرین روزهای زندگیش نیز در این نقش پای فشرده. او نظامی را پایه گذاری کرد که در آن بر اساس اسلام و اصل ولایت و یا ولایت امر، هیچکس حق حاکم بودن بر سرنوشت خویش را نداشته باشد، نظامی که در حراست از سرمایه، به دام استعمار کارگران و زحمتکشان، پرداخته است. اینگونه بود که سیاست ضد کارگری رژیم نیز برنامه ریزی شد. با نخستین گامهای سرکوب یورش به تشکلهای کارگری، شوراهای آنان و تیغ و تبلیغ علیه کارگران سازمانده مبارزات، در دستور کار جمهوری - اسلامی قرار گرفت. کارگران ما که کمر رژیم شاه را با اعتصابات شکوهمند خویش در هم شکسته بودند، در ادامه مبارزات حق طلبانه خود، بزرگترین خطر برای رژیم بحساب میآمدند، که نیاز به برقراری دوباره مناسبات اقتصادی گذشته، برای حفظ حیات خویش داشت.

رژیم جمهوری اسلامی که خواستار بازسازی سرمایه داری و نظام بهره کشی بود، نمی توانست به خواستههای برحق کارگران جز با گلوله و زندان و یا اخراج پاسخ دهد. بدنبنال همین هدف بود که تشکلهای مستقل کارگری که در زمان انقلاب پای گرفته بودند، تحت سرکوب قرار گرفته و از میان رفتند. اما رژیم میدانست که

تنها سلاح سرکوب برای پیشگیری از مبارزات انقلابی کارگران کافی نیست، بنابراین از سلاح ایدئولوژیک نیز استفاده کرد. ابتدا اعتصاب را "حرام" اعلام کرد، آنگاه به دستگیری رهبران کارگری و اعدام یا اخراج آنها پرداخت و در انتها با افزایش هر چه بیشتر تبلیغات مذهبی و فتواهای مکرر خمینی در باره "کارگران و دوره سازندگی" و "ضد انقلاب" به جمع آوری نیرو در کارخانه ها برای مقابله با سایر کارگران روی نمود. در این میان بسیاری از کارگران بر اساس توهمی که به رژیم و بخصوص به شخص خمینی داشتند و به دلایلی دیگر، به سمت مسئولان جمهوری اسلامی کشیده شده و مجری سیاستها آنان در کارخانه ها گشتند. اگر چه با گذشت زمان و افشا شدن اهداف ضد کارگری رژیم، از تعداد این افراد کم شد، اما بهر حال با تمرکز رژیم و برپایی تشکلهای اسلامی (انجمن، شورا و...) در کنار سرکوب عریان، هرگونه تشکیل مستقل کارگری ممنوع و ضد انقلابی اعلام شد. با شکل دادن تدریجی تشکلهای اسلامی در محیطهای کارگری از سوی رژیم، جمهوری اسلامی در حقیقت دو هدف را دنبال میکرد اول ایجاد نهادهایی برای پیشبرد سیاستهای سرمایه دارانه اقتصادی خویش و "منظم" کردن "درهم ریختگی ها" ناشی از مبارزات کارگران در دوره - انقلاب. دوم - جلوگیری از ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، بحق جلو دادن تشکلهای اسلامی، ایجاد این توهم که گویا این تشکلهای اسلامی هستند که حافظ منافع واقعی کارگران میباشند. بدین شکل نیز تلاشی دیگر برای مهیا کردن فضای "آشتی" میان

کارگرو سرمایه. اما پس از تشکیل این تشکلهای، که صرفاً تامین کننده منافع رژیم بودند، بتدریج مقاومت علیه سیاستهای آنان شکل گرفت، بطوریکه امروز آنها در تمامی کارخانجات منفور کارگرانند و تا کنون نیز جز با سلاح خفقان و فشار، جز با جوارجاب و اخراج نتوانسته اند بر پای بایستند. اما این تشکلهای همواره نیز میکوشند تا بر استعمار کارگران از سوی سرمایه داران سرپوش گذاشته و سرمایه دار را "دوست دلسوز" و "همراه" کارگران معرفی کنند. و در کنار این، پیش نویس قانون کار است که میخواهد بجهت ارتجاعی ترین شکل، استعمار کارگران را رسمیت ببخشد. با در نظر گرفتن این حقایق میتوان دریافت که اگر چه با مرگ خمینی یک عنصر مهم از نظام ج - ا کم شد، اما این نظام در ادامه سیاست تا کنونی خویش و استعمار کارگران خواهد کوشید. هم اکنون تحت عنوان "بازسازی پس از جنگ" بازار بازسازی سرمایه ها "بیش از هر زمان دیگر داغ است و فشار بهره کشی نیز فرو نتر. خمینی مرد، اما نظام اسلامی و بهره کشی بجای خود باقیست، پس باید برای مرگ این نظام با تمام توان بکوشیم.

با  
کارگر تبیعی

مکاتبه کنید!

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

**تذکره:** رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در مدت حکومت ضد انقلابی خود دهها هزار کارگر و انقلابی دیگر را اعدام و ترور کرده و بیلا در زیر شکنجه بشهادت رسانده است، که اکثر آنان برای مردم ایستادگی ناشناخته مانده و تنها اسامی بخشی از آنها در لیست شهدای انقلاب ایران آمده است. ما توانسته ایم

اسامی بیش از ۵۰۰ نفر از جانب‌باختگان کارگرا، که از سال ۶۰ تا ۶۳ بشهادت رسیده اند، تهیه کنیم. امایی شک تعداد شهدای کارگر در همین مدت بیش از این رقم بوده، و از سال ۶۳ به اینسو نیز تنها تعداد کمی از این شهدا را شناخته ایم. اینک در نظر داریم لیست اسامی شهدای کارگر را به ترتیب القبا در این نشریه

درج نمائیم و از همه کسانی که کارگران شهیدی را می شناختند بخواهیم اسامی شان در این لیست نیامده، انتظار داریم اسامی آنها و تاریخ، محل و چگونگی شهادت و در صورت امکان زندگینامه آنها را برای ما ارسال کنند تا بتوانیم لیست کاملتری از این شهدا داشته و در فرصت مناسب بولتن کامل آنرا به چاپ برسانیم. قبلا از همکاریتان سپاسگزاریم.

## لیست اسامی شهدای کارگر

دردوران حکومت جمهوری اسلامی

۲۲۷	فدائی آملی	علیرضا	"	تابستان ۶۰
۳۲۸	فراهانی	داوود	"	تابستان ۶۰
۳۲۹	فرج پور نفتی	رضانعلی حلق آویز	"	تابستان ۶۱
۳۳۰	فرجی پور	ابراهیم تیریاریان	"	بهار ۶۲
۳۳۱	فرشادراد	رسول	"	پائیز ۶۰
۳۳۲	فرشاد فر	نادر	"	زمستان ۶۰
۳۳۳	فرهانی	حسین	"	سال ۶۱
۳۳۴	فریدون فر	رضان	"	زمستان ۶۰
۳۳۵	فلاح	حجت درگیری	"	زمستان ۶۰
۳۳۶	فولاد خانی	محمود تیریاریان	"	تابستان ۶۲
۳۳۷	فیاضی	ابوبکر درگیری	"	زمستان ۶۲
۳۳۸	فیضی	هاجر غرق کردن	"	اول خرداد ۶۳
۳۳۹	قادرزاده	عمر درگیری	"	زمستان ۶۰
۳۴۰	قریان رمکی	بهروز تیریاریان	"	زمستان ۶۰
۳۴۱	قرب زاده	ابراهیم	"	زمستان ۶۲
۳۴۲	قربانی عادل			
۳۴۳	قطره دریایی	اکبر تیریاریان	"	زمستان ۶۲
۳۴۴	قلی زاده بناب احد	"	"	پائیز ۶۰
۳۴۵	قمری	علیرضا	"	تابستان ۶۰
۳۴۶	قوام سعیدی حسین	"	"	تابستان ۶۲
۳۴۷	قهرمان پوریناباحمد	"	"	پائیز ۶۰
۳۴۸	قهرمانی	اکبر	"	تابستان ۶۳
۳۴۹	قهرمانی	غلامرضا درگیری	"	زمستان ۶۳
۳۵۰	قیصری	حسین تیریاریان	"	پائیز ۶۰
۳۵۱	کارگر	اسماعیل	"	پائیز ۶۰
۳۵۲	کامران	اسفندیار	"	تابستان ۶۰
۳۵۳	کاو	تورج	"	زمستان ۶۰
۳۵۴	کاوایانی	مجید	"	زمستان ۶۰
۳۵۵	کبیری	قاسم	"	تابستان ۶۰
۳۵۶	کرمانی	محمد حسین زیرشکنجه	"	پائیز ۶۰
۳۵۷	کریمی	حسین تیریاریان	"	تابستان ۶۰
۳۵۸	کریمی	حمید رضا درگیری	"	بهار ۶۰
۳۵۹	کریمیان سیجانی جمشید	تیریاریان	"	پائیز ۶۰

شماره	نام خانوادگی	نام	نحوه شهادت	تاریخ شهادت
۲۹۸	عشایان	اکبر تیریاریان		زمستان ۶۱
۲۹۹	غضدی	محمد		سال ۶۱
۳۰۰	(عطایی)	(مجید) درگیری		پائیز ۶۱
۳۰۱	عشایان	احمد تیریاریان		تابستان ۶۰
۳۰۲	عظیمی	حسین درگیری		تابستان ۶۰
۳۰۳	عظیمی	رضا تیریاریان		زمستان ۶۰
۳۰۴	غلافیان لارودی	رضا		زمستان ۶۰
۳۰۵	علی پور	زهرا		تابستان ۶۱
۳۰۶	علی پور	قاسم		زمستان ۶۳
۳۰۷	علیجانی حسینجانی	سیروس زنده		زمستان ۶۲
۳۰۸	علی جباری	محمد تیریاریان		تابستان ۶۰
۳۰۹	علیدوست	ابراهیم زیرشکنجه		بهار ۶۱
۳۱۰	علیزاده	عباس تیریاریان		سال ۶۲
۳۱۱	علی قارداشی	محمود		تابستان ۶۰
۳۱۲	علی محمدی	باقر زیرشکنجه		تابستان ۶۰
۳۱۳	عیدی پور	محمود تیریاریان		بهار ۶۳
۳۱۴	غیاضیان	عباس		سال ۶۲
۳۱۵	غفاری	مسعود درگیری		تابستان ۶۰
۳۱۶	غفوری	علی تیریاریان		تابستان ۶۰
۳۱۷	غلامی	احمد درگیری		بهار ۶۲
۳۱۸	غلامی	خداداد حلق آویز		تابستان ۶۱
۳۱۹	غلامی سرایی	علی اکبر تیریاریان		زمستان ۶۰
۳۲۰	غلامی فرد	حبیب درگیری		زمستان ۶۰
۳۲۱	غلامی	محمد تیریاریان		۲۰ آبان ۶۰
۳۲۲	فتحی نژاد	ساسان تیریاریان		تابستان ۶۱
۳۲۳	فتوحی	داوود		پائیز ۶۰
۳۲۴	فخاریان	محمد کاظم		تابستان ۶۰
۳۲۵	فخاریان	مهدی		پائیز ۶۰
۳۲۶	فخوری	علی اکبر		تابستان ۶۰

ادامه دارد

## نقد پلاتفرم جنبش

از صفحه اول

داشتن هر نوع تشکل (اعم از شورا، اتحادیه، سندیکا و...) را در میگیرد  
ثانیا - حق داشتن معیشت مناسب و زندگی انسانی را منظور میدارد.

ثالثا - حق اعتصاب بعنوان مهمترین ابزار مبارزه کارگران علیه سرمایه داران و دولت حامی آنها را مورد دفاع قرار میدهد.

رابعاً - سایر حقوق کارگران از قبیل دستمزد مناسب با معیشت خانواده پنج نفری - ساعات کار محدود (۴۰ ساعت در هفته) - حق داشتن تعطیلات برابر با کارمندان و... حق داشتن اوقات استراحت و شرایط بهداشتی کار و ایمنی کار - حق داشتن بیمه بیکاری و... را در بر میگیرد. و کلمه "دفاع از مبارزات کارگران" دفاع از تمام اشکال مبارزه کارگران اعم از اعتصاب - تحصن، کم کاری و طومار نویسی و... را بر میگیرد.

در پاراگراف دوم در بحث عدم وجود هرگونه تشکل مستقل، به مبارزه کارگران برای برپایی تشکلهای مستقل خود کم بها داده و حتی اشاره شده که "مبارزه برای حقوق توده طبقه مطلقاً ممنوع است." و بعد تحلیل کرده این بعلت و وحشت رژیم از حرکت مستقل طبقه کارگر است زیرا آزادی فعالیت این طبقه بقاء رژیم ارتجاعی اسلامی را بخطر میاندازد و... گویا مبارزه کارگران باید در چهارچوب قانونی صورت گیرد و یا رژیمی مانع رژیم جمهوری اسلامی میتواند این حقوق را برسمیت بشناسد. اصلاً طبقه کارگر از هیچ رژیم دیکتاتوری سرمایه اجازه مبارزه نمی گیرد بنابراین این شکل فرمولبنندی من برای این پاراگراف چنین است:

"کارگران ایران از هرگونه حق تشکل مستقل محرومند، آنها حق تشکیل شورا و اتحادیه و سندیکای خود را ندارند. رژیم جمهوری اسلامی توسط عوامل و جاسوسان خود و گاهی با حمایت و دخالت مستقیم نیروهای مسلح در کارخانجات تشکلاتی تحت نام "شورای اسلامی" و "انجمن اسلامی" بوجود آورده است، تا او لا از تشکیل هر نوع تشکل دیگری جلوگیری بعمل آورد، و ثانیا توسط همین نهادها هرگونه اعتراض و مبارزه کارگران را مهار و سرکوب کند. کارگران ایران تحت انقیاد استبدادی لجام گسیخته قرار دارند که حاکمیتش را بر کل مردم ایران تحمیل کرده، آنان اکثریت جامعه‌ای

را میسازند که از ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک خود بی نصیب است و پیر واضح است که کسب حقوق و آزادی - های دمکراتیک مردم ایران جز با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی امکان پذیر نیست."

- بخشهایی از پلاتفرم که مربوط به دوران جنگ - ساله ایران و عراق بوده باید تغییر کند.  
در پاراگراف ۴ در رابطه با مبارزات طبقه کارگر میتوان جمله بندی زیر را ارائه داد: (ص ۸)

"طبقه کارگر ایران در مقابل این شرایط و در برابر دیکتاتوری سرمایه و دولت اسلامی شان ساکت نبوده و طی ۱۰ سال گذشته، مبارزات طبقه کارگر ایران برای بهبود شرایط کار و معیشتش، بطور مستمر ادامه داشته است. مبارزه برای افزایش دستمزدها، مبارزه علیه طولانی کردن زمان کار، تحریم شوراها و انجمن اسلامی، مبارزه علیه اخراجها و بیکار سازیها و... عرصه های مختلف این مبارزات بوده اند و در بسیاری از مواقع این مبارزات بویژه در شکل اعتصابی خود علیرغم تمام فشار و سرکوب جمهوری اسلامی به پیروزی رسیده اند این در حالی بوده که صدها کارگر در سیاهچالهای رژیم اسیر بوده اند. تعداد زیادی از آنها اعدام شده و شماری از فعالین کارگری تبعید و یا اخراج گشته اند. بجزرات میتوان گفت طی سالهای گذشته، طبقه کارگر تنها طبقه‌ای از جامعه ایران بوده است که به استبداد سیاه جمهوری اسلامی تمکین نکرده و در دفاع از حقوق خود به مبارزه ادامه داده است."

در قسمت "خواستهای ویژه و عمومی ما" (ص ۹) بند اولی اینطور میتواند باشد -  
دفاع از حق طبقه کارگر ایران برای برپایی هر نوع تشکل مستقل کارگری (اعم از شورا - اتحادیه - سندیکا و...)

۲- دفاع از حق اعتصاب و دفاع از اعتصابات و مبارزات طبقه کارگر ایران

بند ۶ - در مورد دفاع از حق دخالت تشکلهای مستقل کارگری در تدوین قانون کار، شکل قانونگرایی به این بند داده است. این حق به این شکل میتواند بیان شود:

۶- دفاع از حق کارگران و تشکلهای کارگری بر سر مبارزه برای تحمیل یک قانون کار انقلابی و دمکراتیک به رژیم جمهوری اسلامی.

- بند ۱۱ خود به خود لغو میشود.  
امید داریم این مقدمه همکاریهای گسترده آینده ما باشد. موفق باشید - رضا - کارگر سابق گروه صنعتی بهشهر تهران



## نامه‌های رسیده

رفقای عزیز هیئت موسس جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران!

با درودهای رفیقانه!

چندی پیش نامه‌ای خدمتان نوشتم که تحت عنوان نامه‌ای از یک کارگر در نشریه شماره ۲ بچاپ رسید و متعاقب آن در نشریه شماره ۳ بر آن نقدی با عنوان نظر ما در مورد فعالین کارگری و همکاری روشنفکران نوشتند. این مسئله مرا بر آن داشت که ضمن تذکر چند نکته جوابیه‌ای بر این نقد بنویسم و خواهش دارم، این نامه را نیز در نشریه درج نمایید

۱- چنانکه از متن نوشته بر میآید و شما هم بدرستی قسمت آخر آن را که مربوط به معرفی اینجانب بود حذف کرده‌اید. نامه صرفاً برای آشنائی و آمادگی برای همکاری مشروط به اینکه اساسنامه را بفرستید و چگونگی و هدف تشکیل جنبش را بدانم نگاشته شده بود به این دلیل انعکاس بیرونی آن برای برحورد نظرات مختلف به آن مورد انتقاد من است و بنظرم رفقا خود سرانه و بدون موافقت من این کار را کرده‌اند.

۲- اصولاً اگر قصد ایجاد تریبونی آزاد برای ابراز نظر و بحث نظری پیرامون چگونگی تشکیل جنبش، اهداف و برنامه‌های آن در نظر بود باید قبل از درج نامه‌ها فراخوان داده میشد و یا حداقل نامه رفیقی را چاپ میکردید. که خودش بدین منظور نوشته باشد. ولی علی‌رغم این کاستی، عمل و ابتکار فی‌نفسه کار درستی است. و انتقاد من نه از جنبه نادرست بودن این کار بلکه از جنبه عدم آمادگی بنده میباشد. اگر من میدانستم نامه با این کیفیت درج خواهد

شد. نوشته را با دقت بیشتر، بمنظور دامن زدن به بحث و مشخص‌تر مینوشتم

۳- انتخاب اسم قراردادی کاملاً درست است و از این پس نامه‌های بنده با این اسم "الف مهرانی" مشخص کنید.

اما حال که رفقا این "سعادت" اجباری "بحث نا خواسته را نیسب بنده کرده‌اند. بد نیست که اینبار در جواب رفقا نظراتم را صراحت دهم و با آمادگی به موضوع بپردازم. از طرف دیگر نقاط قوت و ضعف مقاله "نظر ما در مورد" را بیان داشته و کج فهمی خود را نیز اذعان دارم.

مقاله به لحاظ توضیح موضوعی که انتخاب کرده مقاله جالبی است و در کلیت خود مورد تأیید من هم میباشد. لازم بود و هست که درید و امر نظرات خود را صراحت دهیم و در موارد مختلف اهداف، برنامه و آئین نامه‌ها و رابطه جنبش با دوستان و داوطلبین کم، بحث سالنامه و دوستانه‌ای را دامن بزنیم تا از پس این مبارزه ایدئولوژیک علمی، مشکی اصولی را بیابیم و عمل ما هر چه آگاهانه‌تر پیش رود. پر واضح است این متد بر خورد به مسائل باید در آینده هم سنگ بنای حرکت‌های ما باشد تا جمع ما جمعی داوطلب - آگاه مبارزه برای دفاع از حقوق کارگران بوده و تنوع نظرات مواضع ما را صیقل دهد.

آنچه مربوط به ضعف مقاله میباشد چنانکه توضیح دادم نه مضمون نوشته بلکه شکل نقد نظرات دیگران میباشد. اولاً نامه من بر عکس عنوانی که شما به آن داده‌اید "در مورد فعالین کارگری و روشنفکران" نبوده، بلکه

نامه‌ای است که فقط بمنظور آشنائی نوشته شده و در این رهگذر بسند مطالب مختلفی پرداخته است. از معرفی خود گرفته تا نام تشکیلات ضرورت تشکیلات و تجربه جنبش کارگری ایران و درخواست اساسنامه و غیره.

رفقا با متمرکز کردن خود روی یک موضوع که خود موضوع نیز متناقض است، خود را راحت کرده‌اند و "کل-نامه" را نقد کرده‌اند حال آنکه مسئله چیز دیگری است. قصد نه تحلیل نقش روشنفکران و رابطه آنها با تشکیلات کارگری بلکه چگونگی استفاده از این کم، می‌باشد. گیر مسئله هم این است که بنده "فعالین کارگری" را عوضی گرفته‌ام. تلقی من به اشتباه از فعالین کارگری چنانکه شما نیز بدرستی اشاره کرده‌اید. روشنفکرانی بوده‌اند که میخواهند در رابطه با تشکیلات کارگری فعال باشند. اگر این کج فهمی بنده را در مورد "فعالین کارگری" از نامه‌ام حذف و جای آن روشنفکران بگذاریم ما در مورد همکاری آنان با هم مرزبندی نخواهیم داشت به این بخش از نامه‌ام توجه کنید "اگر تشکیلات کارگران است، خوب فقط کارگران باشند، حال میشود همین کارگران از امکانات مثلاً بقول شما "آنهايي که منافع طبقيه کارگر ندارند استفاده کنند و حمایت آنها را بپذیرند و از آن در جهت پیشبرد اهداف خود استفاده کنند". بنظرم باید اینجا خصوصاً تمایز طبقاتی عمل کند فقط کارگران بتوانند عضو رسمی باشند و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق نظر در تصمیم‌گیریها، حق جمع‌بندی و واریسی اسناد و مدارک و اخبار کارگری و غیره داشته باشند. رای و نظر دیگران مشورتی و عملشان حمایت

ویاری رسانی باشد • (نامه‌ای از ین کارگر - کارگر تبعیدی شماره ۵ صفحات ۹ و ۱۰) چنانکه ملاحظه میفرمایند من هم مثل رفقا معتقدم که عضویت در تشکیلی حتی کارگران است و میشود از روشنفکرانی که حاضرند به ما کمک کنند استفاده کرد و دست همکاریشان را فشرده فوقا اشاره رفت که به لحاظ مضمونی آنجا که صحبت از معیار عضویت کارگران و شکل همکاری روشنفکران باشد من با مقاله موافقم و تمایزی بین ما نیست • آنچه که من بدان محترم شکی برخوردار رفقا میباشد • شکل برخورد غیر منصفانه‌ای که بدون توجه به شرایط مشخص زمانی ین یا دوفاکت ( "در بزنگاه خراب" میکنند و روشنفکران خارج نشین ) از بحثی مشخص بیرون کشیده و بر پایه این شکل غلط و نادرست حکم صادر میکند که گویا من صلاحیت مبارزاتی روشنفکران را زیر سؤال برده‌ام • و تر و خشک روی هم سوزانده، همه را ین کاسه کرده و

با ین چوب میرانم • نه رفقای عزیز اشاره من به روشنفکرانی که سر بزنگاه خراب کرده‌اند " مشخص است • همچنین زمان آن • آیا میتوان از این نوشته " تجربه مشکلات کارگری سالهای ۲۰ - ۲۰ هم نشان داد که شاهزادگان و اشراف زادگان روشنفکری مثل کامبخش، اسکندری، روستا و دیگران در سر بزنگاه خراب میکنند (کارگر تبعیدی شماره ۲ صفحه ۵) - نتیجه گفت که همه روشنفکران سر بزنگاه خراب میکنند؟ یا نه خیانت‌های افرادی مثل کامبخش بویژه واسکندری و دیگرانی از این قماش دیگر مدتهاست ثابت شده است و نیازی به اثبات آن نیست •

همچنین از " روشنفکران خارجه نشین هم در رابطه مشخص اسم پرده شده • آنهم نه به منظور اینکه همه روشنفکران به هر دلیلی که خارج زندگی میکنند، صلاحیت مبارزه ندارند بلکه عمدتا اشاره است به روشنفکرانی که در احزاب و سازمانهای مدعی رهبر

ما متشکلند و بدون حداقل شناخت از وضع و شرایط مبارزات کارگری "رهنمود" میدهند • این رهنمودهای تان امان خیلی "جالب" بود همچنین رهبریشا پدر کارگران را در میآورد و آنوقت اگر هم اعتراض میکردی و سعادت میافتی که این رفقا را ملاقات کنی و در پی دعواهای متعدد برای حل مسئله میآمدند به راستی چیزی هم طلب کار بودند که - ما چقدر زحمت میکشیم و کار داریم شما هم فکر میکنید ما "حمال" شما هستیم نه رهبر پرولتاریا علی‌رغم همه اینها اگر در این میان رهبرانی از بنده رنجیده‌اند و یا روشنفکرانی انقلابی در این نامه آشنائی و درددل با رفقایم بد احترام و عدم صلاحیت مبارزاتی خود را یافته‌اند • پوزش میطلبم

ا - مهرانی

اردیبهشت ۱۳۶۸

از صفحهاول

## آئین نامه‌ای دیگر علیه کارگران

تاسر کارگران مزبور را هر چه بیشتر کلاه بگذارند و امروز که نیروی کار ارزان و مازاد دارند با آنان همچون تغال بر خورد میکنند، سرمایه‌داران و دولتمردان اداره - نشین با چرخاندن قلم بر روی کاغذ سرنوشت انسانهای محروم و بیگناه را تعیین میکنند • شکم سیر از شکم کرسنه و محتاج چه خبر دارد؟

اگر بیسوادی از نظر دولتمردان جمهوری اسلامی مرموم است قاعدتا میبایست به ریشه‌کن کردن آن بپردازند یا ساعاتی از کار کارگران بیسواد را با استخدام معلمان و یزبه امر سوادآموزی اختصاص دهند • نه آنکه استخدام کارگران بیسواد را ممنوع نمایند •

اگر بیسوادی از نظر دولتمردان جمهوری اسلامی دلیلی برای عدم استخدام آنهاست، پس چگونه است که ضیق همین مصوبه "رزمندگان عزیز و افرادی که در جبهه‌های نبرد حضور داشته‌اند از شمول این بخشنامه مستثنی میباشند" ۱؟ آیا این به اصطلاح رزمندگان عزیز که بیسوادند از کارگران بیسواد است

در جبهه‌های جنگ حضور نیافته‌اند "باسواد ترند" یا بهتر کار میکنند! تقسیم کارگران به جبهه رفته و جبهه نرفته نیز به منظور ایجاد تفرقه در میان کارگران و رشوه‌ایست تا کارگران را هر چه بیشتر به جمهوری اسلامی وابسته نماید • غافل از آنکه چنین تبعیضاتی کارگران را هر چه بیشتر ضد رژیم نموده و آنان را در مخالفتشان علیه جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران جدی‌تر و راسختر مینماید •

کارگران ایرانی میبایست با حفظ همبستگی خود این دسیسه‌های تفرقه‌اندازانه در میان کارگران را نقش بر آب کرده و از کارگران بیسواد حمایت نمایند •

کارگران بیسواد میبایست به مخالفت با مصوبه‌های اینچنینی برخاسته و از حقوق حقه خود دفاع نمایند • بر کارگران تبعیدی است که در خارج از کشور به افشای سیاستهای رژیم پرداخته و افکار عمومی، سندیکاها و اتحادیه‌های کارگران را در حمایت از کارگران ایران جلب نمایند •

را کشیده اند، امیدوارم به خاطر ذکر نکاتی از بنده رنجیده خاطر نشوند و در زمینه طراحی و مسائل مربوط به ایلمن نشریه به همکاریها ادامه بدهند.



## طرحها و توضیحات

ضامین، گویا، روشن و قابل درک باشد.

۵- فرم بدن کارگر و توستی که گرفته بیشتر به حرکات دهقانان در حال کشاورزی میماند تا به کارگر در حال کار.

۶- چون انسان (کارگر) سازنده و تولیدکننده اصلی است باید نسبت به سایر اجسام مشخصتر باشد. در طرحهای ذکر شده، در ترکیبها گم شده است.

۷- دادن چکش و یا هر جسمی در دست چپ از نظر فیزیکی و زیبایی طرح چندان مناسب نیست. در دست راست راسختر و قویتر مینمایاند. در پایان امید و نرم طرح اینجانب کمکی باشد در جهت اهدافتان، اگر چه معتقدم طرح چندان مناسبی نیست. از دوست عزیز که ۳ طرح

(۱)

با سلام، دوستان عزیز! ضمن آرزوی پیروزی در کارهایتان ذکر چند نکته را ضروری میدانم.

۱- زمانی که آگهی برای یک آرم داده میشود، از طرف درخواست کننده، موضوع، هدف و زمینههای آرم توضیح داده میشود.

۲- اصطلاحاً از واژه آرم استفاده میشود نه طرح. زیرا که طرح شامل ابعاد گوناگون میباشد و همانطور که دوستی ۳ طرح کشیده بودند بجای آرم.

۳- طرحهای این دوست میتواند بمناسبتهایی در کارها استفاده شود بعنوان مثال، اولی ماه مه یا مقالاتی در مورد کارگران، ولی نمیتواند آرم باشد برای یک سندیکا و یا تشکیک.

۴- طرحهای ذکر شده شلوغ هستند. معمولاً در آرم سعی میشود لظوظ کمتری استفاده شود ولی

(۲)

۱- دایره دور طرح را که با مداد کشیده شده است میتوانید با مائیک مشکی پر کنید و جایی برای نوشتن آرم جنبش خالی بگذارید.

۲- دایره دور طرح را بدون اینکه پر کنید با مائیک مشکی پر رنگ کنید و در داخل آن نام جنبش سندیکایی را بنویسید.

۳- دایره دور طرح را بدون اینکه پر کنید با مائیک مشکی پر رنگ کنید اما در خارج از دایره نام جنبش را بنویسید.

۴- میتوانید دایره را بطور کلی حذف کنید و پائین طرح نام جنبش را بنویسید.

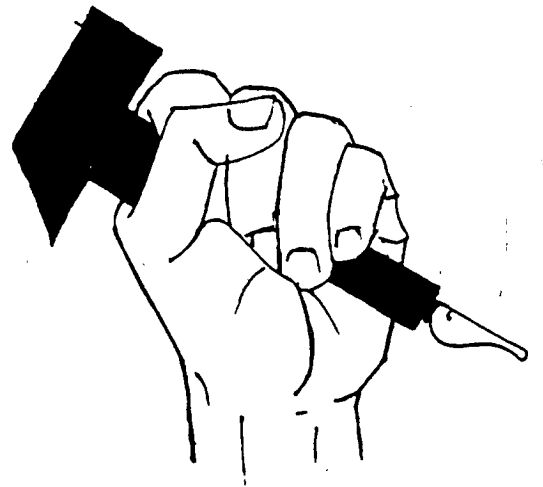
اما موضع طرح:

این طرح نمادهای مختلفی را با خود همراه دارد و هر کسی میتواند نسبت باین طرح استنباطهای مختلفی داشته باشد:

۱- رابطه قلم و طبقه کارگر،

۲- رابطه همبستگی و اتحاد روشنفکر انقلابی با طبقه کارگر،

۳- آزادی واقعی قلم فقط با به قدرت رسیدن طبقه کارگر امکان پذیر است،



رفقا! طرحی که برای آرم جنبش سندیکایی برایتان میفرستم امیدوارم مورد قبول مجمع عمومی سندیکا قرار گیرد. در رابطه با این طرح چند نکته قابل ذکر است.

## قدیمی ترین کارگر عضو جنبش درگذشت!

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که آوانس مرادیان کارگر قدیمی و یکی از موسسین اصلی سندیکای کفاشهادر ایران و عضو جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران، در اثر سکتة قلبی در ارمنستان شوروی درگذشت. آوانس در طول حیات خود، چه در زندگی کارگری و چه به لحاظ سیاسی، انسانی مبارز و انقلابی بود و این خصوصیت را سالیان سال و تا به آخر همچنان حفظ نمود. وی پیگیرانه علیه دشمنان رنگارنگ کارگران مبارزه میکرد و از چنین مبارزه‌ای هرگز خسته نشد. آوانس در سفر سال گذشته خود به آلمان، با جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران آشنا گردید و مشتاقانه عضویت آنرا پذیرفت. این کارگر انقلابی پس از سالهای زندان، در دوران ستشاهی، به ارمنستان مهاجرت نمود و زندگی کارگری را در همانجا ادامه داد و تا پایان عمر کارگر باقی ماند.

با درگذشت آوانس، جنبش قدیمی ترین کارگر عضو خود را از دست داد.

ما یاد این کارگر انقلابی را گرامی میداریم و فقدانش را به همه کارگران و نیز بازماندگانش صمیمانه تسلیت میگوئیم.

خبر جانگداز

مصطفی جغتائی آخرین سازمانده هیئت موسس سندیکای کارگران بیکار پروژهای و فصلی آبادان در یک تصادف خونین اتومبیل در امریکا درگذشت.

نشریه کارگر تبعیدی، درگذشت این هم‌رزم با سابقه را به همه کارگران و فعالین جنبش کارگری ایران و بازماندگان این رفیق تسلیت میگوید.

## شعری از لاهوتی

یکی از دسترنج کارگرها،

- فروش جنس در دکان پرستد
- یکی از هر چه ادیان در جهان هست،
- فزونتر لیره و تومان پرستد
- یکی با پادشاه و شیخ و خانش،
- فقط از روی حس، ایران پرستد
- میان اینهمه مخلوق عالم،
- که این یک، این و آن یک، آن پرستد
- اگر از کیش لاهوتی بپرسی،
- نجات فتنه و دهقان پرستد
- لاهوتی - کرمانشاه - ژانویه ۱۹۱۴



## طرحها و توضیحات

- ۴- کارگر تبعیدی از آزادیهای بورژوازی که سالیان دراز طبقه کارگر کشورهای اروپایی برای آن مبارزه کرده‌اند، استفاده میکند و در نتیجه خود را سازمان میدهد تا بر علیه خود کامگی رژیم که آزادی گشی را سر لوحه برنامه خود را قرار داده است، مبارزه نماید و نیز از همه کارگران تبعیدی میخواهد که از این آزادیهای بورژوازی استفاده کنند و همبستگی و اتحاد خود را با کارگران ایران نشان دهند.
- ۵- و استنباطهای مختلف دیگر.

دست تمامی دوستان را بگرمی میفشارم

چ - ۲۶ / ۷ / ۸۹



به نقل از کتاب سندیکالیسم در ایران

از: فرهنگ قاسمی

## نگاهی

### به جنبش کارگری

#### در ایران

نخستین سندیکا و اعتماد های پی در پی

سندیکاها در اروپا و در کشورهای صنعتی در شکم تعاونی ها رشد پیدا کردند و بعد از انقلاب صنعتی سازمان های خود را گامی بطور آشکارا روزمانی بطور مخفی بوجود آوردند. در ایران علمبرغم شرایط اجتماعی و اقتصادی متفاوت با این کشورها، تعاونی ها و سازمان های صنفی ستراملی جریانات سندیکائی بودند. تعاونی های حرفه ای و اصناف در اغلب شهرهای بزرگ ایران از قبیل وجود داشتند و فعالیت می نمودند. سندیکاها در بطن یا در کنار رایسن تعاونی ها و اصناف متشکل گردیدند.

اما نخستین سندیکای کارگری ایران بوسیله کارگران چاپخانه در سال ۱۹۰۶ ایجاد گردید و کارگران عضو آن اولین اعتماد خود را برای بهبود وضع خویش و اجرای اصول و مندرجات اساسنامه با موفقیت انجام دادند. در سال ۱۹۰۷، اعتماد کارگران سندیکای چاپخانه ها بعنوان همدردی با یکی از کارگران حرفه چین که به دستور اعتمادا لسلطنه جوب خورده بود شروع شد و تا سرکناری او از ریاست مضوعات ادامه پیدا کرد.

سلطان زاده می نویسد: "نخستین کوششها برای سازماندهی سندیکائی سال ۱۹۰۶ در زمان نخستین انقلاب هنگامی که کارگران چاپخانه های تهران تحت نفوذ نیرومند حزب دموکرات نخستین اتحادیه خود را ایجاد کردند انجام گرفت. (۵۷)

در همین سال اعتماد کارگران چاپخانه برای کاهش ساعات کار روزانه تحقق پذیرفت. در نتیجه آن ساعات کار از ۱۴ ساعت به ۹ ساعت در شانزده روز کاهش یافت.

مطالبات کارگران مطبوعه تهران به نقل از نخستین روزنامه کارگران ایران در عصر مشروطیت نام "اتفاق کارگران" بقرار زیر است:

اول - کارگران نباید در هیچ مطبوعه ای بیش از ۹ ساعت کار کنند.

دوم - اقل اجرت و مواجب کارگران مطبوعه ها در (هر) ماهی کمتر از ۳ تومان نخواهد بود. کارگرانی که از ۳ الی ۵ تومان

مواجب دارند باید صدی پانزده بر حقوق آنها افزوده شود.

کارگرانی که از پنج الی ده تومان مواجب دارند صدی دوازده بر حقوق آنها افزوده خواهد شد. کارگرانی که از

ده الی پانزده تومان مواجب دارند صدی ده. کسانی که از

پانزده الی بیست تومان دارند صدی هشت. آنهاشی که

از بیست الی بیست و پنج تومان دارند صدی پنج بر حقوق آنها افزوده خواهد شد. حقوق و مواجب کارگران سرموند

باید پرداخت شود.

سوم - کارگری که بدون تخفیر از کار و شغل خود خارج می شود هر

گاهش ماه یا بیش تر در خدمت بوده است. صاحب مطبوعه

باید مواجب پانزده روز علاوه بر آن کارگر بپردازد. هر

گاهش از یکسال بر خدمت بوده باشد. مواجب یکماه علاوه دریافت نماید. کارگری که بیش تر از دو سال خدمت

کرده باشد باید مواجب یک ماه و نیم علاوه دریافت نماید. کارگری که بیش از ۳ سال خدمت کرده باشد باید مواجب دو ماه دریافت نماید. به این طریق سوهریگ سال خدمت مواجب پانزده روز علاوه شود.

چهارم - صاحب مطبوعه در صورتی کارگری را می تواند بدون تقصیر از شغل خود خارج نماید که اقلاً "پانزده روز قبل به کارگر اطلاع داده باشد. در صورت فروش مطبوعه کارگران سرتب سابق در سرشغل خود باقی خواهند ماند. فروشنده مطبوعه باید مواجب علاوه کارگران را مطابق سنوالتی که کارگران خدمت کرده اند بپردازد.

پنجم - سلوک و رفتار مدیرها و روسای مطبوعه با کارگران باید سه

هیچ وجه از نزاکت و ادب خارج نباشد.

ششم - هرگاه مطبوعه شب کاری مدامی داشته باشد، صاحب مطبوعه باید یک دسته کارگر جدید "ی" برای شب کاری احیر نماید.

حقوق و اجرت کارگرانی که شب کاری می نمایند باید از

حقوق معمولی خود یک و نیم علاوه دریافت دارند. کارگرانی

که مشغول شب کاری فوق العاده می شوند، غیر از حقوق روزانه، خود باید یک و نیم علاوه دریافت نمایند و سه نوبت

شب کاری کنند.

هفتم - غیر از عاید عمومی هفته ای یک روز تعطیل و آسایش اجباری

مخصوص هر ملت است.

هشتم - در صورتی که کارگری ناخوش شود یا بد حقوق یک ماهه او

داده شود. وقتی که کارگری ناخوش معالجه می شود.

مجدداً "بسرشغل خود باقی بماند.

نهم - هر مطبوعه باید برای طبیب مخصوص خود بوده باشد.

دهم - در صورتی که کارگری در موقع کار محروم یا معیوب شود.

تا مدتی که معالجه شود، باید بد حقوق خود دریافت دارد (

بیش تر از ۳ ماه نخواهد رسید).

یازدهم - در صورتی که عضوی از اعضای کارگری در موقع کار معیوب

شود، به تمذیق اطباء میزان خسارت وارده تعیین شده حق

الخساره را و داده خواهد شد. میزان و مبلغ خسارتی که

کارگر داده می شود، از طرف صاحب مطبوعه و نمایندگان

اجتماع کارگران تعیین خواهد شد.

دوازدهم - در صورت فوت کارگر در موقع کار باید مبلغی برای امرار

معاش عیال و اطفال کارگر متوفی به تمذیق و تصویب اطباء

و نمایندگان کارگران و صاحب مطبوعه تعیین کرده برداخته

شود.

سزدهم - هر یک مطبوعه باید برای یک رئیس بوده باشد.

چهاردهم - با رضایت و تصویب صاحبان مطبوعه و نمایندگان اجتماع

کارگران نظامنامه برای کلیه مطبوعه ها وضع خواهد شد.

(شماره ۱، جمادی الثانی ۱۳۲۸) (۵۸)

در این درخواست ها تقریباً کارگران اصول و مناسبات قانون

کارورفاه اجتماعی را بیان می کنند و اینها مطالباتی بودند که

در آن زمان مورد توجه قرار نمی گرفته و اصولاً مرجع یا نهادی برای

رسیدگی آن وجود نداشت. مطالباتی که بعدها طبق قانون کار

بسیار دولت گذارده شد و دولت موظف به اجراء آن شد اگر چه بد اینها

عمل نکرد.

در سال ۱۲۸۶ (۱۹۰۷) اعتمادات کارگری و کارمندی دیگری

در ایران روی می دهد که مهمترین آنها اعتماداتی است که در سال

۱۹۰۷ بوقوع پیوست و تبدیل به یک اعتماد عمومی شد. در این

اعتمادات تلگرافچی ها درخواست اضافه دستمزدها و مطالبات دیگری

داشتند. (۵۹)

این اعتمادات پس از سه روز با گرفتن اضافه دستمزدها و دستمزد

اجرای اعتمادات کارگران می باید، درست است که این



## نقدی بر طرح پیشنهادی منشور و اساسنامه

از صفحه اول

همه جانبه‌ای تدوین کرده‌اند. میبایست این دو مقوله را که در عین مجزا بودن ارتباط تنگاتنگی با هم دارند بطور جداگانه بدر د و فرمولبندی و شکل مشخص و ویژه خود ارائه میدادید.

۲- رفقا در بخش منشور (هویت اعتقادی و کلسی تشکیلی) به آشتی ناپذیری صف کارگران و سرمایه‌داران اشاره کرده‌اند که این صف به خودی خود هویتی را نشان نمیدهد. چه بسا ما کارگران در شرایطی در یک صف با دیگران قرار بگیریم مثلاً صف مخالفین مناسبات برده‌داری و یا صف مخالفین حجاب اجباری برای زنان و صفهای دیگر. آنچه ما را متمایز میکند دفاع از منافع طبقاتی خود میباشد. اینجاست که صف کارگرانی که از منافع طبقاتی خود دفاع میکنند با صف سرمایه‌داران و یا هر صف دیگری که از منافع آنها در مقابل منافع ما دفاع میکنند، آشتی ناپذیرند.

یا در بند ۲ این فصل آمده - تشکیل برای اعضای خود هیچ قید و شرطی بجز کارکردن قائل نبوده و . . . . اینهم از آن بندهای توهم‌زا میباشد. نه رفقا کارگرانی هم هستند که فریب سرمایه‌داران را خورده‌اند و بعضاً منافع کارگران عمل میکنند. آنها نباید بتوانند عضو تشکیلی ما شوند. کارگری میتواند عضو باشد که قید و شرط دفاع از منافع ما، پذیرش برنامه و اساسنامه و پرداخت حق عضویت، خصلت پذیرش تصمیمات جمعی . . . را بپذیرد. آری این کارگر میتواند مثلاً مذهبی، غیر مذهبی، ضد مذهبی، غیرسیاسی و . . . باشد. در بند ۵ آمده است - تشکیلی مانع مقدماتی برای دستیابی به حقوق صنفی و سیاسی و دمکراتیک را، جمهوری اسلامی دانسته و به مبارزه با آن معتقد است. این بند این را می‌رساند که گویا ما تشکیلی طبقاتی کارگران مستقر در کارخانه‌های ایران هستیم که جمهوری اسلامی مانع تشکیلی و حقوق صنفی و سیاسی ما باشد. رفقا مثل اینکه خواب نما شده‌اید شما از طرفی حدود را جنبش دفاع از حقوق کارگران ایران مینامید و شرط عضویت حداقل دو سال سابقه کارگری در ایران و یا کارکردن در خارج مینامید. از طرف دیگر "مانع مقدم" را جمهوری اسلامی مینامید. آیا چ - ا تا بنده حال که گامهایی برداشته‌ایم هیچ مانعی برای ما ایجاد کرده است؟ آری اگر در ایران میبودیم - ما کاملاً با شما موافق بودیم که مانع مقدم و عمده چ - ا بود

همچنانکه برای رفقای کارگر ما در ایران این مانع مقدم و عمده است ولی مگر ما این ادعا را کرده‌ایم که در ایران می‌خواهیم کارگران را متشکل کنیم؟ به این ترتیب این بند اصلاً با فلسفه وجودی ما تناقض دارد. در این رابطه کار ما میتواند افشای جمهوری اسلامی در انظار کارگران کشورهای دیگر و افکار عمومی باشد. از آن جمله و بویژه اینکه جمهوری اسلامی مانع عمده دستیابی به حقوق صنفی و سیاسی کارگران ایران است.

چنانکه ملاحظه نمودید از شش بند ۳ بند به کلی اشتباه هستند. سه بند دیگر نیز به فرمولبندی نارسا می‌باشند که فرصت پرداختن به همه بندها نیست و بهتر میدانم آنجا که به لحاظ مضمونی اختلافی اساسی نداریم زیاد روی بندها مکت نکنم.

۳- در بخش اهداف و وظایف در بند ۱ گفته شده است - دفاع از حقوق صنفی، سیاسی و دمکراتیک کارگران ایران. این بند آنقدر گویا است که رفقا خود نیز متوجه آن شده‌اند و یک زیرنویس به آن افزوده‌اند. اتفاقاً اکثر موارد ذکر شده در پانویس خود رئیس و هیاتی برنامه‌ای ما می‌توانند و باید باشند و این شکل فرمولبندی شکل خوبی نیست.

در بند ۴ این بخش نوشته شده - تلاش در جهت ایجاد رابطه بین کارگران ایران با اتحادیه‌های کارگری دیگر کشورها و . . . طرح مسئله به این شکل چنانکه فوقاً در مورد مانع مقدماتی دستیابی به حقوق، در مورد چ - ا گفته شد از این ذهنیت نشأت می‌گیرد که گویا رفقا تشکیلی کارگران ایران و یا حداقل نماینده مرتبط با آنها هستند. واگر نه، چگونه میتوان در یک تشکیلی و دمکراتیک متصور شد که از خارج ما اولاً ارتباط با کارگران کارخانه‌های ایران داشته باشیم و ثانیاً، حال اگر مثلاً یکی و یا چند نفر از اعضا تشکیلی به شکل فردی احیاناً رابطه‌ای مخفی داشته باشد چگونه میتوان این رابطه به اتحادیه‌های علنی و گسترده دیگر کشورها وصل کند. خنده دار نیست! انگار رفقا در حال و هوای شرایط خفقان و سرکوب پلیسی چ - ا و بویژه در مورد کارگران نیستند. امید داریم که در جامعه ما کارگران به تشکیلی مستقل دمکراتیک خود دست یابند و بتوانند با برادران خود در سراسر جهان ارتباط گرفته و در مجامع آنها حضور یابند. اگر چنین شرایطی ایجاد بشود و ما هم بتوانیم خود را سازماندهی کنیم و رابطه را با سندی‌کاها

بند ۵ - فعالیت در جهت اهداف و برنامه جنبش در یکی از ارگانهای آن و یا فعالیت داوطلبانه فردی تبصره یت - کارگران کشورهای دیگر در صورت پذیرش شرایط فوق می توانند به عضویت افتخاری جنبش پذیرفته شوند .

تبصره دو - مبلغ حق عضویت شش ماهه را مجمع عمومی تعیین می کند و اعضا می توانند این مبلغ را یکجا و یا به تناوب در طول شش ماه بپردازند

#### ماده سوم - حقوق اعضا

هر یک از اعضای جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران حق دارند که .

۱ - در انتخابات گوناگون تشکل شرکت کرده انتخاب کنند و انتخاب شوند .

۲ - در تصمیم گیریهای حوزه فعالیت خود شرکت کنند و در آغاز آنها رای می دهند .

۳ - در کلیه عرصه های فعالیت جنبش شرکت کنند و

انتقادات و پیشنهادات خود را به کلیه ارگانها در میان

۴ - خواهان درج نظرات خود به طور علنی و بی قید و شرط باشد .

۵ - در هر ارگانی که درباره او تصمیم می گیرند شرکت کند .

۶ - هر عضو حق دارد طرح پیشنهادی برنامه

و یا اساسنامه جدید و یا طرح اصلاحی خود را در

صحنه بین دو مجمع عمومی در سطح مضبوطات جنبش ارائه

دهد .

#### ماده چهارم - شرایط لغو عضویت

بند ۱ - عضویت در جنبش کاملاً داوطلبانه است

و هر عضو می تواند بمیل خود و هر زمان از تشکل

کناره گیری کند .

بند ۲ - در صورتی که عضو پس از تذکرات مکرر

کتبی تا مجمع عمومی حق عضویت نپرداخته و شرایط

عضویت را زیر پا گذارد ، هر عضو وارگانی در جنبش

می تواند اخراج آنها از مجمع بخواهد . فقط مجمع

عمومی حق اخراج را دارا است .

#### ماده پنجم - اصول تشکیلاتی جنبش

اصل اساسی سازمانیابی جنبش مرکزیت دمکراتیک

می باشد . باتکیه بر این پایه مناسبات تشکیلاتی بدین

قرارند :

بند ۱ - انتخابی بودن تمامی ارگانها با رای مخفی

از بالاترین ارگان یعنی هیأت اجرائی تا پایین ترین

ارگانها .

و اتحادیه ها بوجود آمده و تحکیم بخشیم آنوقت مشروط به اینکه کارگران ما رابپذیرند و ما توانستیم واقعا از حقوق سندیکایی آنها دفاع کرده و منعکس کننده وضع آنها در بین کارگران سایر کشورها باشیم شاید بتوانیم در ایجاد این رابطه نقشی ایفا کنیم و زمینه آشنائی را فراهم آورده تا آنها خودشان وارد همکاری شوند . مطمئن باشید دیگر وجود ما هم معنی خود را از دست خواهد .

اساسنامه پیشنهادی جنبش دفاع از حقوق

سندیکایی کارگران ایران

ماده اول - نام و اهداف تشکل

بند ۱ - نام تشکل " جنبش دفاع از حقوق سندیکایی

کارگران ایران میباشد . این تشکل تشکلی است کارگری

و مستقل که سعی دارد کارگران تبعیدی ، مهاجر و

کارگران ایرانی در خارج کشور را در جهت دفاع از

حقوق سندیکایی کارگران ایران سازمان دهد .

بند ۲ - جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران

ایران به مثابه تشکل مستقل کارگری هدف خود را دفاع

از حقوق صنفی ، سیاسی و دمکراتیک کارگران ایران ، دفاع

از مبارزات روزمره آنان در مقابل دولت ، کارفرمایان

افشای اعمال ضد کارگری رژیم ، کارگزاران سرمایه دار و

کارفرماها در میان افکار عمومی جهان و بویژه کارگران

انعکاس وضع آنان برای تشکلات کارگری ( سندیکاهای ،

اتحادیه ها و ... ) جهان و جلب حمایت این تشکلات و

کلیه کارگران از برادران خود در ایران اعلام می دارد .

رهنمون عمل جنبش در کلیه فعالیتها این اعتقاد به آشتی

ناپذیری منافع طبقاتی کارگران با سرمایه داران و تشکل -

یابی بی طبقه در صنفی واجد در دفاع از این منافع

می باشد .

#### ماده دوم - شرایط عضویت

همه افراد خارج از اینکه چه اعتقادی داشته باشند

و به چه گروهی وابسته باشند ، چه ملیتی داشته باشند

و جنسیتشان چه باشد و ... می توانند در صورت

دارا بودن شرایط زیر به عضویت جنبش دفاع از حقوق

سندیکایی کارگران ایران در آیند .

بند ۱ - کارگر بودن در هنگام تقاضای عضویت

بند ۲ - داشتن حداقل دو سال سابقه کارگری

در ایران .

بند ۳ - قبول برنامه و اساسنامه جنبش دفاع از

حقوق سندیکایی کارگران ایران

بند ۴ - پرداختن عضویت

کنند می توانند حق رأی خود را به هر عضو شرکت کننده تجویز نمایند .

تبصره ۲ - کلیه تصمیمات باید با رأی  $2/3$  اعضای حاضر در مجمع عمومی تصویب شوند .  
ماده هفتم - وظایف و اختیارات مجمع عمومی

مجمع عمومی جنبش

بند ۱ - گزارش و ارزیابی هیأت اجرایی را مورد بررسی قرار می دهد .

بند ۲ - برنامه و اساسنامه جنبش را تصویب می کند و یا برنامه و اساسنامه پیشین را اصلاح می کند .

بند ۳ - خط مشی و تاکتیکهای گذشته را ارزیابی کرده و خط مشی و تاکتیکهای آینده را تعیین می کند .

بند ۴ - اعضای هیأت اجرایی علی البدلها را انتخاب می کند .

بند ۵ - گزارش بازرسی و یا بازرسی را استماع کرده و بازرسی و یا بازرسی جدید را انتخاب می کند .

بند ۶ - می تواند حتی با تصویب  $2/4$  اعضا جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران را منحل کند .

ماده هشتم - هیأت اجرایی

بند ۱ - هیأت اجرایی عالی ترین ارگان منتخب

مجمع عمومی در فاصله زمانی دو مجمع عمومی می باشد .  
بند ۲ - تعداد هیأت اجرایی را مجمع عمومی تعیین می کند .

بند ۳ - هیأت اجرایی در اولین جلسه خود تقسیم مسئولیت کرده و از بین خود دبیر، مسئول مالی و مدارکات، مسئول روابط خارجی، منشی و مسئول آرشیو و سایر تقسیم مسئولیتهای ضرور را انتخاب خواهد کرد .

۴ - جلسات عادی هیأت اجرایی ماهانه خواهد بود و در صورت تشخیص ضرورت جلسات بیشتر توسط اکثریت اعضای خود جلسات فوق العاده ای خواهد داشت .

۵ - تصمیمات در هیأت اجرایی جمعی میباشد و دبیر فقط نقش اداره کننده جلسه و سازماندهی دفتر مرکزی در چهارچوب تصمیمات جمع خواهد داشت .

ماده نهم - وظایف و اختیارات هیأت اجرایی

هیأت اجرایی جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران .

بند ۱ - مسئول به اجرا در آمدن و پیشبرد برنامه و اساسنامه و به طور کلی مصوبات مجمع عمومی میباشد .

بند ۲ - اولاً تمامی ارگانهای رهبری برای دورهای معین انتخاب خواهند شد ثانیاً هر زمان که اکثریت اعضا اراده کنند می توانند رهبری ارگانها را با انتخابات جدید انتخاب کرده و به این ترتیب رهبری ارگانها را عوض کنند .

بند ۳ - خود مختار بودن ارگانهای کشوری و محلی در امور داخلی و محلی خود در چهارچوب کلی اهداف و برنامه جنبش .

بند ۴ - محفوظ بودن حق اقلیت در جنبش ما حتی يك عضو تا آنکه بتوانند اختلافاتشان را به گوش همه اعضا و هرکس برسانند .

بند ۵ - تبعیت اقلیت از اکثریت

بند ۶ - تبعیت افراد از قرارها، مصوبات جنبش و در يك کلام تبعیت فرد از جنبش .

بند ۷ - تبعیت ارگانهای پایین از ارگانهای بالاتر

بند ۸ - گزارش دهی متقابل ارگانهای جنبش به همدیگر . حق گزارش خواهی هر عضو از هیأت اجرایی و بالعکس .

ماده ششم - مجمع عمومی

بند ۱ - مجمع عمومی عالی ترین ارگان تصمیم گیری جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران می باشد .  
بند ۲ - مجمع عمومی های عادی جنبش هر شش ماه یکبار تشکیل می گردد .

بند ۳ - در صورتی که  $1/3$  اعضا شرکت کننده در مجمع عمومی تقاضای برگزاری مجمع عمومی فوق العاده را بنمایند . هیأت اجرایی موظف به فراخوان مجمع میباشد . اگر هیأت اجرایی از فراخواندن مجمع عمومی سرباززند . اعضا خود ابتکار فراخوان مجمع عمومی را بدست خواهند گرفت .

بند ۴ - فراخوان مجمع عمومی عادی و فوق العاده و همچنین دستور جلسه آن باید حداقل یکماه قبل از برگزاری به اطلاع کلیه اعضا برسد .

بند ۵ - تاریخ و محل برگزاری مجمع عمومی را هیأت اجرایی تعیین کرده و در زمان لازم به اعضا اطلاع میدهد .  
بند ۶ - همه اعضا می توانند فردی در مجمع عمومی شرکت کنند .

بند ۷ - مجمع عمومی با حضور  $2/3$  مجموع اعضا و اعضای دارای وکالت کتبی از اعضایی که شرکت نکرده اند رسمیت می یابد .

تبصره ۱ - در صورتی که عضو یا اعضایی به دلایلی نخواهند و یا نتوانند در جلسه مجمع عمومی شرکت

- ۱- واحدها میتوانند و باید افراد متقاضی عضویت را عضوگیری کنند.
  - ۲- تبلیغات منطقه‌ای و سازماندهی فعالیتهای جنبش در کشور به عهده واحد کشوری میباشد.
  - ۳- واحد میتواند در صورت تشخیص ضرورت ارگان مستقل خود را داشته باشد.
  - ۴- ارتباط با سازمانهای کارگری و تشکلهای دمکراتیک ایرانی و شخصیت‌های مترقی را سازمان میدهد.
  - ۵- واحدهای کشوری موظفند در فاصله دو ماه یکبار جلسه عمومی کلیه اعضا برای بررسی فعالیتهای مجموعه نیروهای جنبش در کشور برگزار کنند.
- ماده سیزدهم - بازرس و یا هیات بازرس**
- ۱- جنبش دارای یک یا چند بازرس میباشد که توسط مجمع عمومی انتخاب میشوند.
  - ۲- بازرس و یا بازرسین بر حسن جریان امور مالی و اداری جنبش نظارت میکنند.
  - ۳- بازرس و یا بازرسین در صورتی که تعداد هیات اجرائی به یک سوم تقلیل یابد مجمع عمومی را برای ترمیم هیات اجرائی فرا میخوانند.
  - ۴- بازرس و یا بازرسین شکایات، درخواستها و انتقادات اعضا را در رابطه با امور جاری دریافت و با آنها کتبا جواب میدهند.
  - ۵- بازرس و یا بازرسین حق شرکت و اظهار نظر در جلسات هیات اجرائی و هر ارگان دیگری را بدون حق رای دارا هستند.
- تبصره - تعداد بازرس و یا بازرسین را مجمع عمومی تعیین میکند.
- ماده چهاردهم:**
- گروههای کار و شاخه‌های جنبش در کشورها**
- ۱- گروههای کار و شاخه‌های جنبش تجمع اعضا هستند که بر پایه تخصص، استعداد و محل زندگی برآید، پیشبرد رشته‌های مختلف فعالیت سازماندهی شده و در نظر واحد کشوری و در ارتباط با دفتر مرکزی فعالیت میکنند.
  - ۲- این گروهها و شاخه‌ها میتوانند ثابت یا عنوان شاخه و یا فصلی و مقطعی به عنوان گروه کار بسته به ضرورتهای عملی فعالیت سازمان یابند.
  - ۳- شاخه‌ها میتوانند در رابطه‌های مختلف فعالیتهای (تبلیغی، تدارکاتی، مالی، انتشاراتی) روابط خارجی) فعالیت کنند.

- بند ۲ - ارگانها، موسسات و واحدهای جنبش را سازماندهی، هماهنگ و رهبری میکند.
  - ۳ - اطلاعات، اسناد، اموال و خزانه جنبش را حفظ و کنترل و به کار میگیرد.
  - ۴ - جنبش را در بین نیروها، اتحادیه‌های کارگری و سندیکاهای کشورهای دیگر و مجامع جهانی نمایندگی میکند.
  - ۵ - ارگان و نشریه مرکزی را رهبری کرده و هیئت رابا کت اعضای داوطلب وزیر نظر خود سازمان میدهد.
  - ۶ - گزارش فعالیتهای و اقدامات جنبش را تنظیم کرده و به مجمع عمومی ارائه میدهد.
  - ۷ - در طول بین دو مجمع به سئوالات، پیشنهادها و انتقادات اعضا پاسخگو میباشد.
  - ۸ - در مواقع ضرورت و لازم که امکان فراخواندن مجمع نیست از کلیه اعضا برای تصمیم گیری رای گیری بعمل می‌آورد.
- تبصره - تصمیماتی که در مواقع اضطراری در بین اعضا به رای گذاشته میشود در حکم تصمیم مجمع عمومی میباشد.
- ماده دهم - دفتری مرکزی**
- این دفتر زیر نظر هیات اجرائی و توسط دبیر جنبش اداره میشود و در مواقع مرکز ارتباطات و هماهنگی فعالیتهای روزمره جنبش میباشد که وظایف آن عبارت از -
- ۱- هماهنگی بین امور ارگانها و واحدهای مختلف جنبش در همه کشورها.
  - ۲- تنظیم و پیشبرد انتشارات، بررسی و تنظیم رهنمودهای عملی عمومی و تخصیص نیازهای مالی به واحدها.
  - ۳- سازماندهی ارتباطات با مجامع جهانی و کل روابط خارج از جنبش.
  - ۴- صدور قرارها و اطلاعیه‌های عاجل و ضروری.
- ماده یازدهم: واحدهای کشوری**
- ۱- واحدهای کشوری به مثابه نماینده پیکره‌های جنبش در کشورهای مختلف محسوب میشوند.
  - ۲- واحدهای کشورها از مسئولین انتخابی شاخه‌های مختلف جنبش در شهرهای یک کشور و گروههای کار موجود در آن کشور تشکیل میشود.
- ماده دوازدهم:**
- وظایف و اختیارات واحدهای کشوری**

## یک سند ماندنی!

مرکزی که از نمایندگان کشورهای مختلف تشکیل می‌شد در لندن تأسیس گردید، کمیسیون مرکزی میبایست بحثها و پیشنهادات مختلف کارگران کشورهای مختلف اروپائی را که جمع‌بندی کرده و آنها را به کنگره موسس فرامیخواند، در اولین نشست "کمیته انجمن بین المللی کارگران" نمایندگان کارگران کشورهای اروپائی که گرایشات مختلفی را نمایندگی میکردند حضور بهم رساندند. اول از همه انگلیسی‌ها بودند که خود به چند دسته تقسیم میشدند، تردیونیونیستها، چارتریستهای سابق، و آون ایستها. فرانسویان که مهارت چندان در اقتصاد نداشته اما خود را در زمینه مسائل انقلاب متخصص میدانستند، ایتالیاییها که آنان نیز بسیار نافوذ بودند و توسط "مازینی" انقلابی کهنسال و بسیار محبوب، جمهوریخواه اما مذهبی رهبری میشدند، همچنین لهستانیها که برایشان مهمترین مسئله لهستان بود. و بالاخره تعدادی آلمانی (مارکس، اکاریوس، لنسر، فانور) که همه از اعضای سابق "اتحادیه کمونیستی" بودند. کمیته مزبور سرای چهارمین بار در اول نوامبر سال ۱۸۶۴ تشکیل شد و خطابه بین المللی اولی باتفاق آراء مورد تصویب قرار دارد. پیش‌گفتار این خطابه بدینترتیب است:

تلاشی که مادرگدهم آوری کلیه کارگران تبعیدی باهرایده و ملیتی داریم، نوآوری و تلاش جدیدی نیست، آنچه که کلیه کارگران را باهرنژاد، ملیت و عقاید خاصی از دیگر طبقات جدا میکند، هستی، هویت و نافع طبقاتی مشترک است. هویتهای سیاسی و فردی که در چهارچوبه های مشترک طبقاتی و اجتماعی و بر اساس منشور، اهداف، وظایف و اساسنامه واحد همگی را در آن گرد می‌آورد و همه اعضاء آن سعی میکنند در چهارچوبه مورد توافق (مثلا منشور و اساسنامه پیشنهادی ما و یا منشور و اساسنامه صوبه مجمع عمومی کارگران تبعیدی) به تلاش و فعالیت مشترک بپردازند. اگرچه تلاش جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران تلاشی است برای گردآوری کلیه کارگران تبعیدی ایرانی، اما روح این ایده (یعنی گردآوری کلیه کارگران باهرایده و مرام و ملیت و نژاد) در کشورهای دیگر حتی در تشکلهای بین المللی کارگران بارها بکار گرفته شده و دستاوردهای درخشانی برای کارگران داشته است. در زیر اولین نمونه در تاریخ گردهم آئی و تشکل یابی بین المللی کارگران را که منجر به صدور "خطابه بین المللی" گردید و قسمت‌بائی از خطابه را برای کارگران تبعیدی ما آوریم. (دریسی تدوین این خطابه که باتفاق آراء تصویب گردید - اساسنامه بین المللی اول نیز تدوین و مورد تصویب قرار گرفت) (ه - ت - کارگر تبعیدی)

در سال ۱۸۶۲ و در شرایطی که کارگران کشور - های مختلف در پراشندگی بسر میبردند و دوروز پس از میتینگی که لندن به حمایت از قیام لهستانیها برای رهایی از ستم روسیه تزاری صورت گرفته بود، میتینگ دیگری توسط شورای کارگران لندن در لندن برگزار گردید. این میتینگ برعکس میتینگ قبلی میتینگ بود که تنها کارگران شرکت کرده بودند. "ادگر" بعنوان یکی از رهبران شورای پیشنهاد طرح عملی برای همبستگی کارگران قاره اروپا را مطرح نمود. در این گردهمائی تصمیم گرفته شد خطابه مناسبی برای کارگران فرانسوی فرستاده شود. تقریباً یکسال طول کشید تا کارگران پاریس پاسخ خود را به خطابه کارگران انگلیسی تنظیم نمایند. در ۲۲ دسامبر سال ۱۸۶۴ در لندن میتینگ دیگری برای استقبال از هیئت نمایندگان کارگران فرانسه برگزار شد. "ادگر" خطابه کارگران انگلیسی و "تولن" خطابه کارگران فرانسوی را خواند. هیئت نمایندگی فرانسه حتی طرح اجرائی و پیشنهادی خود را برای چگونگی شکل گیری اولین تشکل کارگری بین المللی به همراه آورده بودند. یت کمیسیون

و با توجه به اینکه:

«رهایی طبقه کارگر باید ثمره مبارزات کارگران باشد؛ مبارزه برای رهایی طبقه کارگر مبارزه برای کسب استیلازات و امتیازات طبقاتی نیست، این مبارزه بیکاریست که برای برقراری حقوق و تکالیف مساوی و در جهت از میان بردن همه رژیمهای طبقاتی صورت می‌گیرد؛ «اقتیاد اقتصادی کارگران در برابر دارندگان ابزار کار که سرچشمه زندگی و حیات است، علت اصلی اقتیاد و پردگی در تمام اشکال آن، فقر اجتماعی، فقر فکری و وابستگی سیاسی، بشمار می‌آید؛ «تمام تلاشهایی که تاکنون در راه رسیدن به این هدف صورت پذیرفته، بدلیل فقدان همبستگی کارگران حرفه‌های گوناگون در یک کشور و نبودن یگانگی برادرانه طبقه کارگر کشورهای مختلف شکست خورده است؛ «رهایی کار، چون نه یک شکل معنی یا سلی بلکه سالدای اجتماعی است که شامل حال همه کشورهای می‌گردد که در آن جامعه معنئی بوجود آمده، از این رو، حل آن نیز مستلزم تبادل نظر و همکاری نظری و عملی پیشرفته‌ترین کشورهای است؛

«نهضتی که بتازگی دوباره در میان کارگران صنعتی‌ترین کشورهای اروپا جان گرفته است، در عین بیدار کردن آرزوهای خفته بما هشدار می‌دهد تا باز در دام اشتباههای گذشته نیفتیم و هرچه زودتر کوششهای پراکنده را گردهم آوریم؛ انجمن بین المللی کارگران به این دلایل تأسیس می‌شود؛

«انجمن اعلام می‌دارد:

«همه انجمنها و تمامی افرادی که به آن می‌پیوندند، حقیقت، عدالت و اخلاق را پایه و اساس رفتار خود در برابر همه انسانها، بدون تبعیض نژادی، مذهبی و یا سلی قرار خواهند داد. این انجمن وظیفه خود می‌داند که نه تنها برای خود، بلکه برای هرکس که وظایف و تکالیف خود را انجام می‌دهد، رعایت حقوق بشر و شهروند را خواستار گردد. تکلیف بدون حق و حق بدون تکلیف وجود ندارد.»

اطلاعیه جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران

## فراخوان به مجمع عمومی

دوستان عزیز!

بیش از یک سال است که جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران اعلام موجودیت نموده است. سالهاست که جهانیان - بخصوص کارگران جهان - از وضعیت دشوار کارگران ایران بی خبرند. فشار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و بی حقوقی عمومی حاکم بر ایران در زیر شدیدترین سرکوبها و اختناق بر کارگران و زحمتکشان کشور ما تحمیل میگردد. رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی تمامی تشکلهای دمکراتیک و صنفی را نابود کرده است. کارگران ایران هم اکنون فاقد تشکلهای مستقل خود هستند و رژیم با سوءاستفاده از این پراکندگی کارگران، بیشترین فشارها و سرکوبها را بر آنان تحمیل مینماید. سطح نازل دستمزد، بیکاری، نبود تامین اجتماعی، بدی مسکن و ... هستی و ادامه زندگی کارگران را در چهار مشکلات جدی نموده است. وضع دهشتناک کارگران زن، وجدان هر انسان آزادهای را به درد میآورد. بسیاری از کارگران مبارز به جوخه های اعدام سپرده شده اند و بسیاری از کارگران پیشرو در سیاهچالهای این رژیم مرگ و خون و جنایت گرفتارند و زندگی شان در معرض خطر است. همه و همه این مظاهر دنائت و پلیدیها ارمغان رژیم جمهوری اسلامی است که دردها و مصائب مضاعفی را بر مشکلات و استعمار قانونی کارگران توسط سرمایه داران - که در کشور ما معمول بود - افزوده است. در این حال تعدادی از کارگران و فعالین کارگر مجبور به ترک دیار خود شده و آواره کشورهای دیگر شده اند و در تبعید بسر میبرند. تعدادی از کارگران تبعیدی به ضرورت ایجاد تشکلی در خارج کشور رسیدند تا به منظور دفاع از حقوق سندیکایی و مبارزات کارگران ایران، شناساندن شرایط کنار و زندگی آنان به افکار عمومی جهانی و بخصوص به کارگران این کشورها و جلب حمایت آنان فعالیت نمایند. آنها در سال گذشته طی نشست پلاتفرم خود را انتشار داده و هیئت مؤسس جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران را تشکیل دادند. هیئت مؤسس در این مدت توانسته تنها با تعداد معدودی از دوستانی که در ایران سابقه کارگری داشته اند و اکنون در خارج کشور سرباز شده اند آشنا شود و هنوز بخش قابل توجهی از دوستان کارگرمما از وجود این جنبش بی اطلاعند. با اینهمه طی این مدت هیئت مؤسس در حد توان خود کار جنبش را پیش برده و طرح منشور و اساسنامه ای ارائه نموده، ارتباطات و نامه های رسیده و نیز تا حد و دی اهداف و وظائف جنبش را در اطلاعیه ها و نشریه کارگر تبعیدی انعکاس داده است و اینک تشکیل مجمع عمومی را بمنظور تصویب منشور و اساسنامه، تعیین چارچوب اهداف و وظائف و انتخاب هیئت مدیره برای جنبش، ضروری می بیند. بهمین منظور از تمامی اعضا و نیز از کارگران ایرانی دیگر دعوت می کنیم در نخستین مجمع عمومی جنبش، شرکت نمایند.

بدیهی است عضویت اعضا غایب موکول به بررسی مجدد و تجدید عضویت توسط هیئت مدیره منتخب مجمع خواهد بود. داوطلبین عضویت در جنبش می توانند ظرف این مدت تقاضای عضویت همراه با زندگینامه کارگری خود را به آدرس جنبش ارسال دارند تا وضعیت عضویت آنها روشن شود. زمان بندی تشکیل مجمع تا پایان اوت ۱۹۸۹ خواهد بود.

از حقوق سندیکایی و مبارزات برحق کارگران ایران دفاع کنید  
جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران

۱۹۸۹/۶/۲۶

باشناتی های زیر با ما مکاتبه کنید:

دانمارک:  
Khosravi  
Posterestante K 21  
The main station  
1570 K.b.h  
Danmark

اتریش:  
Schulgasse  
Postfach 506  
Wien 1181  
Österreich

دفتر مرکزی: آلمان فدرال  
Postlagerkarte  
Nr. 123903 C  
53 Bonn 1  
W. Germany